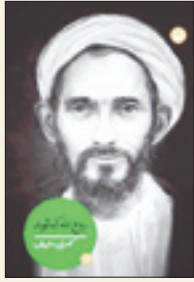


پیش‌خوان

آیت‌الله روح‌الله کمالوند خرم‌آبادی
در آیینه یک اثر نوانتشار

بازتاب دهنده اهداف نهضت اسلامی

■ **محمد رضا کاتبینی**



یکی از دفترهای مهمو عه «شخصیت‌های منشره از سوی انتشارات سوره مهر، به شرح زندگی و آثار زنده‌یاد آیت‌الله کمالوند روح‌الله

کمالوند خرم‌آبادی که در آغازین دوره از نهضت اسلامی نیز می‌توان از او نشان‌هایی روشن یافت. وی از عالمان نامی منطقه خرم‌آباد و از دوستان دیرین امام خمینی به شمار می‌رفت که در دوره‌ای حساس، خواسته‌های جامعه روحانیت را به پهلو ی دوم ابلاغ کرد. کامران عاروان مؤلف این دفتر، در دیباچه پژوهش خویش در باب محوره‌های آن چنین آورده است:

«پژوهشی که می‌خوانید، متکی بر روش توصیف و تحلیل تاریخی است. گاهی توصیفی است و گاهی ترکیبی از توصیف و تحلیل تا شاید بخشی از خنده‌های مرتبط با آیت‌الله حاج شیخ روح‌الله کمالوند خرم‌آبادی روشن گردد. بخش مهمی از زندگانی آیت‌الله کمالوند با وقایع آغازین مقطع از انقلاب اسلامی پیوند خورده است. شاید این نزدیکی به زمان وقوع رویداد، خیال محقق را آسوده‌سازد که تمام منابع رویدادها به آسانی در دسترس او قرار دارند، اما با کمی دقت و با نکته بینی می‌توان فهمید که در دل وقایع انقلاب اسلامی نیز ابهامات و سؤالات زیادی وجود دارد که مورخ و محقق را برای مدتی به خود مشغول خواهد کرد. به هر روی در نگارش زندگی آیت‌الله کمالوند چهار موضوع دنبال شد:

۱- برخی شخصیت‌ها منطقه مدارند و برخی



▼ **آیت‌الله حاج شیخ روح‌الله کمالوند خرم‌آبادی**

ایران مدار. چه بسیار بودند از خوانین و شیوخ و علما و تحصیلکرده‌گان علوم جدید که تنها در منطقه آیا و اجدادی، مهم و مدار تصمیم‌گیری بودند. همچنین برخی شخصیت‌ها از مرزهای ایل و طایفه و منطقه فراتر رفته و منشأ تصمیم‌هایی می‌شوند که حاصلش نه برای اندک مردمان که برای قاطبه کشور تأثیرگذار بوده است. یکی از ایین علمای نامور و ایران مدار، آیت‌الله حاج شیخ روح‌الله کمالوند است که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰مسی، به میدان سیاست وارد شد و تأثیری جدی از خود به یادگار گذاشت.

۲- بررسی و تحلیل جایگاه تاریخی روحانیت و درک ضرورت ایجاد حوزه‌های علمیه در دوره پهلوی اول که آیت‌الله کمالوند در این باره نقش مهمی ایفا کرده، از نظر این پژوهش‌دور نامنده است. حضور وی در کنار سازمان دهندگان نهاد روحانیت مستقر در ایران، یعنی آیات عظام: شیخ عبدالکریم حائری و سیدحسین طباطبایی بروجودی و ایجاد حوزه علمیه کمالیه در خرم‌آباد، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۳- نقش نمایندگی نهاد روحانیت که به عهده آیت‌الله کمالوند گذاشته شده بود تا در مذاکرات میان حکومت و روحانیت شرکت کند، به میزان قابل توجهی چشمگیر و حافظ شأن و جایگاه روحانیت بوده است.

۴- اصل پایانی، شناخت جایگاه و اقدامات اجتماعی آیت‌الله کمالوند در منطقه غرب ایران است که خود را پیرو شیوه‌های سنتی و قدیمی روحانیون نمی‌دانست، به ویژه در لرستان و بخش‌های پیرامونی آن که در فقر فرهنگی و اقتصادی و مشکلات قبیله‌ای و اجتماعی به سر می‌بردند. بنابراین وی دستی توانمند برای ایجاد شرایط بهتر برای آن جامعه به شمار می‌رفت...»

■ **احمد رضا صدیقی**

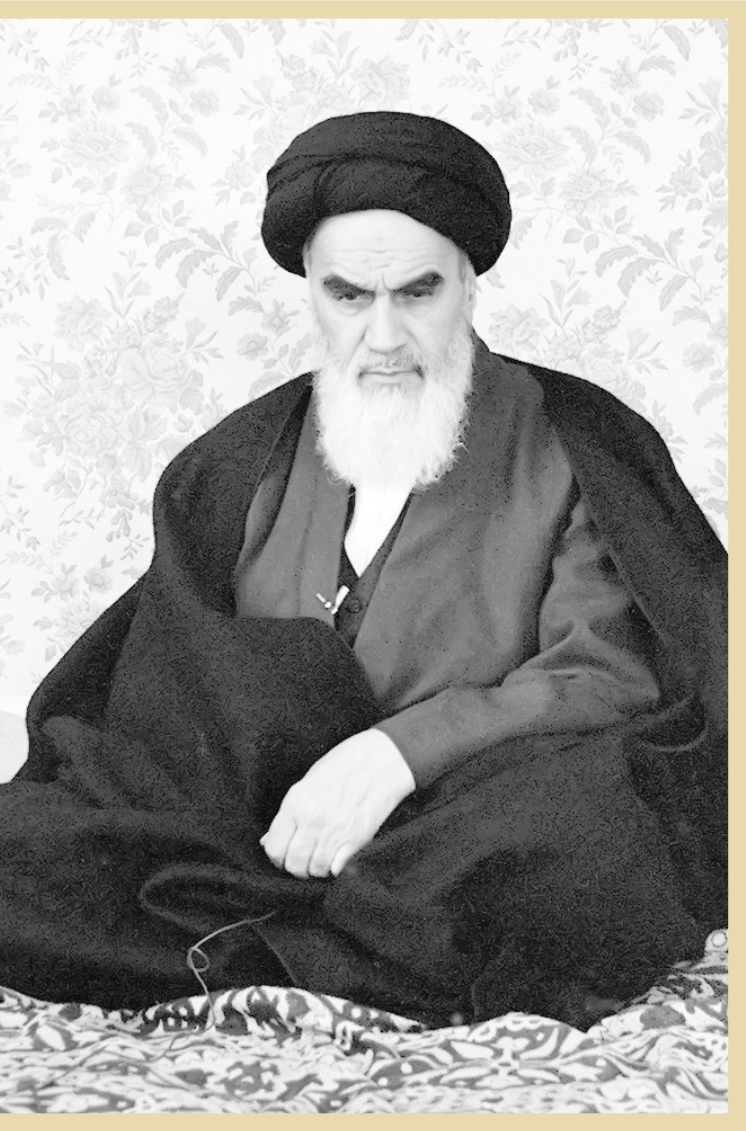
در روزهای پیش‌رو به واپسین جمعه از ماه مبارک رمضان و روز جهانی قدس نزدیک می‌شویم. این مناسبت موسمی مغتنم برای بازخوانی *موضع رهبران جهان* تشیع در مواجهه با تأسیس و تداوم حیات رژیم صهیونیستی است. در مقالی که پیش‌روی شماست، گوشش شده است تا با استناد به پاره‌ای روایات و تحلیل‌ها، رویکردهای اسام خمینی، آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجودی و آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی در این بساره مورد خوانش قرار گیرد. مستندات این نوشتار، بر تازنمای پژوهشده تاریخ معاصر ایران آمده است. امید آنکه محققان و عمووم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **آیت‌الله بروجدی: یهود ملاحظت تاریخی**

مسلمین را با ارعاب و قتل تلافی می‌کند اشغال قبیله نخست مسلمانان و سپس تأسیس دولت اسرائیل در آن برای تمامی مراجع تقلید و رهبران دینی و سیاسی جهان تشیع حساسیت برانگیز بود. این رویداد در ایران از سوی مرجع‌اعلی وقت زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجدی به شدت محکوم شد و مورد تخطئه قرار گرفت. وی در اعلامیه‌ای به همین مناسبت، با توجه به پیشینه زیست آزاد و امن یهودیان در قلمروی کشورهای اسلامی، اقدام آنان در این دوره از تاریخ در هتک و آزار مسلمانان را غیر اخلاقی قلمداد کرد. زهراسیدی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در باب این اعلامیه و مفاد آن آورده است:

«آیت‌الله‌العظمی سیدحسین طباطبایی بروجدی از همان ابتدای تأسیس دولت غاصب اسرائیل این اقدام محکوم و موضع محکمی در قبال اشغال قدس اتخاذ کردند. ایشان در سال ۱۲۲۷ش، بیانیه‌ای



در دوران قلمب در دهکده دوقل لوشاتو، در حومه پاریس ۱۳۵۷ه‍.ق امام خمینی

بی تردید تخطئه اشغالگری و جنایات دولت اسرائیل همواره از رویکردهای ثابت امام خمینی از دوران آغاز نهضت اسلامی تا پایان حیات ایشان بوده است.

با این همه حمله گسترده اسرائیل به کشورهای عربی اسلامی در خرداد ۱۳۴۶، موجب تشدید مواضع ایشان علیه اسرائیل شد. از این دوره به بعد بود که رهبر نهضت اسلامی، ضمن تحریم هر گونه رابطه تجاری و سیاسی دولت‌های اسلامی با این کشور، اجازه پرداخت و جوهه شرعیه به مبارزان فلسطینی را صادر کردند. اهمیت این اجازه هنگامی روشن می‌شود که بدانیم امام در صدور اینگونه اجازات بس محتاط بودند و کمتر به آن رضایت می‌دادند!

موضع رهبران جهان تشیع، در مواجهه با تأسیس و تداوم حیات رژیم صهیونیستی

فسخ شناسایی دولت اسرائیل

در دوران نهضت ملی ایران

را از خداوند بخواهند و برای برادران مسلمان خود، یاری و پیروزی مسئلت دارند، خداوند! سربازان و رزمندگان و مرزداران مسلمان را در شرق و غرب کره زمین یاری کن و دشمنان آنها را خوار و پراکنده و پریشان نما و دل‌های آنها را بر زعب کن و ضربت مسلمان ما در این زمان در پاکستان از مشرکان و در فلسطین از یهود می‌بینند، به او شکایت می‌کنیم. صدق گفتار خداوند را درباره شدت عداوت یهود نسبت به مسلمانان در کتاب کریمش می‌یابیم، ولی تعجب و تأسف کلی از کار یهود است، زیرا آنها بعد از اینکه نزدیک ۱۴ قرن تحت حمایت اسلام و مسلمین بوده‌اند و جان، ناموس، اموال و شعائر نیش را محفوظ بوده است، می‌خواهند در این زمان انتقام آن همه نیکی‌ها را که در آن مدت طولانی از مسلمانان دیده‌اند، از آنها بگیرند، مردان شایسته را تحت تعقیب و ارعاب قرار داده و به قتل می‌رسانند... آیت‌الله بروجدی در این بیانیه با اشاره به تعدی و ظلم اسرائیل نسبت به مردم مسلمان فلسطین نیز زبان اعتراض گشوده و در بخش دیگری از بیانیه خود آورده‌اند: اسرائیلی‌ها اطفال فلسطینی را کشته و اعراض آنها را مورد هتک قرار داده و معابد و خانه‌هایشان را تخریب می‌کنند و از هیچ شرارت و جنایتی نسبت به آنها ایبا ندارند و از هیچ گونه تجاوز و تعدی دست‌بردار نیستند، از خداوند متعال مسئلت داریم که مسلمانان را پیروز گرداند و از جانب خود، آنها را یاری کند و این قوم که حقوق مسلمانان را رعایت نمی‌کنند، مخذول نماید و آن متعديان را خوار و ذلیل گرداند و به صورت خوارترین ملت‌ها قرار دهد... در پایان بیانیه نیز آیت‌الله بروجدی از مردم مسلمان خواستند برای مردم فلسطین دعا کنند و توجه خود را به مردم فلسطین مبذول دارند:از برادران بالیمان خود در ایران و سایر نقاط می‌خواهم دسته‌جمعی به نیایش بپردازند و خوری و ذلت یهود

معاصر ایران این مخالفت‌ها را به تریب بی آمده بازخوانده است:

«موضوع شناسایی اسرائیل از سوی ایران از همان بدو امر مورد اعتراضات مختلفی به خصوص از جانب کشورهای عربی قرار گرفت. دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق، در هشتم اردیبهشت ۱۳۳۰ آغاز شد. براساس اسناد وزارت امور خارجه ایران از همان روزهای آغاز کار دولت مصدق، روزنامه‌های جهان عرب، فعالیتت یبگیر را در جهت لغو شناسایی اسرائیل توسط ایران به کار بستند. چشم امید آنها نیز به آیت‌الله کاشانی که او را پرچمدار مبارزه با استعمار انگلستان در ایران به شمار می‌آوردند، دوخته شده بود. در عین حال در همین مقطع، حسین مکی در نطقی در مجلس ششورای ملی به موضوع شناسایی اسرائیل در زمان محمد ساعد به‌شدت حمله کرد و انجام این عمل را فقط با دریافت رشوه از سوی نخست‌وزیر وقت (ساعد) امکانپذیر دانست. او در سخنان بسیار کوتاه خود گفت جبهه ملی از اول، موافق شناسایی دولت جعلی اسرائیل نبوده و نیست!... طی روزهای پس از آن روزنامه‌های کشور عراق نیز به این موضوع پرداختند و روحانیون عراقی خواستند تا آنها هم به پیروی از علمای مصر، سوریه و لبنان نامه‌ای به آیت‌الله کاشانی در باب قطع روابط بین ایران و اسرائیل بنویسند. کشورهای عربی به مقامات دولت مصدق اطلاع دادند که در صورت بازپس‌گیری شناسایی اسرائیل از سوی دولت ایران آنها نیز در جریان اختلافات ایران و انگلستان بر سر مسئله نفت، از موضع ایران حمایت خواهند کرد. در همین زمان بود که آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای با روزنامه المصری بغداد گفت فسخ شناسایی اسرائیل توسط ایران حتمی است؛ از پی این سخنان، باقر کاظمی وزیر امور خارجه کابینه مصدق نیز در شانزدهم تیر ۱۳۳۰ در مجلس حاضر شد و تصمیم دولت مبنی بر تعطیلی کنسولگری ایران در بیت‌المقدس را به اطلاع نمایندگان رساند. البته دولت در اعلامیه رسمی که در روز بعد انعکاس داد، علت این اقدام را کاهش درآمدها بر اثر قطع صادرات نفت و الزام دولت به صرفه‌جویی‌های ارزی عنوان کرد.

بنابراین کابینه مصدق تنها به فراخوانی کادر سیاسی اقدام کرد و نه فسخ شناسایی دوقلتوی اسرائیل. اما با وجود این باقر کاظمی تلاش‌هایی را در جهت تعطیلی فعالیت اژانس یهود در ایران انجام داد. به هر روی اعراب اقدام ایران را به منزله فسخ شناسایی دوقلتوی اسرائیل تلقی کردند. در همان زمان محسن المومن خبرنگار روزنامه المصری، مصاحبه مفصلی با آیت‌الله کاشانی کرد. در بخشی از این مصاحبه، کاشانی در پاسخ به سؤالی راجع به خطرناک‌بودن وجود اسرائیل برای ایران و عالم اسلام، گفت به نظر من اسرائیل خطر امنیتی برای ایران ندارد، ولی نسبت به کشورهای اسلامی – عربی خطر زیادی دارد و وجود این دولت پوشالی، به منزله زخمی‌ایی است که روی دول اسلامی را زشت کرده و جز با عمل جراحی، نمی‌توان آثار این زخم‌ها را از صفحه تاریخ خاورمیانه زدود... در ایین میان مجلس ششورای ملی نیز با مصدق هماهنگ عمل کرد و با اجماعی که میان قوای گوناگون پدید آمد، فسخ شناسایی دولت اسرائیل عملی شد. چنین اجماعی میان دو قوه مقننه و اجرایی، در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ که ساختار قدرت در ایران بسیار شکننده و تا حدود زیادی تحت تأثیر نبره‌های بین‌المللی بود، اتفاق نآدری به شمار می‌آمد. به تعبیری این مسئله، به وضوح نمایانگر حساسیت ملت ایران راجع به این موضوع بود.

جهان اسلام بود، مسئله‌ای که با توجه به باز بودن نسبی فضای سیاسی آن روزگار و فعالیت جامعه مدنی ایران، به آن جامه عمل پوشانیده شد و دولت دموکراتیک و مردمی مصدق به این خواست ملت مسلمان ایران پاسخ گفت...»

■ **امام خمینی: اگر روحانیان باشند، نمی‌گذارند اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه کند!**

بی تردید تخطئه اشغالگری و جنایات دولت اسرائیل هماره از رویکردهای ثابت امام خمینی از دوران آغاز نهضت اسلامی تا پایان حیات ایشان بوده است. در سال ۱۳۴۷ نیز امام خمینی بار دیگر تأکید کردند دولت غاصب اسرائیل با هدف‌هایی که دارد، برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیمی ایجاد کرده است، بنابراین احتمال می‌رود اگر مسلمانان به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و برای جلوگیری از اعمال آن دیر شود. امام خمینی این خطر را متوجه اسان اسلام دانست و گفت دولت‌های اسلامی و مسلمانان، دفع این ماده فساد را به هر نحو که امکانپذیر بود بنمایند و از کمک به مدافعان کوتاهی نکنند. امام حتی بهره‌گیری از محل زکات و سایر صدقات را در دست‌یابی به چنین هدفی حیاتی دانست و کلام آخر اینکه مسئله فلسطین را می‌توان فراتر از موضع‌گیری‌های شخصی و گروهی بررسی کرد. اندیشمندان مسلمان و به‌ویژه جامعه مذهبی ایران در تاریخ معاصر، بر مبارزه کلامی و عملی خود با رژیم صهیونیستی تأکید کرده‌اند. امام خمینی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی، آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و آیت‌الله سیدمحمد بهبهانی، نمونه‌هایی از افرادی هستند که سکوت در برابر جنگ‌های اسرائیل جهت تجاوز به فلسطین را مجاز ندانستند. این ویژگی می‌تواند بیانگر این مهم باشد که اندیشمندان مسلمان درباره مبارزه با رژیم صهیونیستی، به عنوان هدفی متعالی تقاهم داشته‌اند...»



از آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی ۱۳۳۱ه‍.ق، دیدار آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجدی